

نقش واسطه‌ای جهت‌گیری مذهبی در رابطه با نیاز به شناخت و تاب‌آوری

hassanabroshan@yahoo.com

sheslami@shirazu.ac.ir

حسن آبروشن / دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

راضیه شیخ‌الاسلامی / دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز

دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۷

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش واسطه‌ای جهت‌گیری مذهبی در رابطه با نیاز به شناخت و تاب‌آوری در قالب مدلی علی است. بدین منظور، ۳۲۰ دانشجوی دانشگاه فرهنگیان فارس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از دو پرسش‌نامه نیاز به شناخت، جهت‌گیری مذهبی و مقیاس تاب‌آوری بزرگسالان جمع‌آوری، و با استفاده از روش تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که نیاز به شناخت، پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار ($P < 0/001$) تاب‌آوری است و با جهت‌گیری مذهبی بیرونی رابطه منفی و معنادار ($P < 0/001$) و با جهت‌گیری مذهبی درونی رابطه مثبت و معنادار ($P < 0/001$) دارد. جهت‌گیری مذهبی بیرونی بُعد انسجام خانوادگی تاب‌آوری را به صورت منفی و معنادار ($P < 0/001$) و جهت‌گیری مذهبی درونی به طور مثبت و معنادار ($P < 0/001$) ابعاد تاب‌آوری را پیش‌بینی کرد. در نهایت، نیاز به شناخت به طور غیرمستقیم با تاب‌آوری رابطه معنادار ($P < 0/001$) داشت.

کلیدواژه‌ها: نیاز به شناخت، تاب‌آوری، جهت‌گیری مذهبی، دانشجوی.

با مرور ادبیات روان‌شناسی درمی‌یابیم تفاوت افرادی که علی‌رغم مشکلات با موفقیت به زندگی خود ادامه می‌دهند و کسانی که نمی‌توانند زندگی را با موفقیت سپری کنند، در مفهومی به نام «تاب‌آوری» نهفته است (ریتر (Ritter)، ۲۰۰۵، ص ۱۴). این مفهوم، به طور گسترده توسط آسیب‌شناسان روانی رشد مورد مطالعه قرار گرفته است (پرینس – ایمبوری و ساکلوفسک (Prince-Embury & Saklofske)، ۲۰۱۳، ص ۱۰). تاب‌آوری، به‌عنوان مفهومی روان‌شناختی بیانگر این است که چگونه افراد با موقعیت‌های غیرمنتظره کنار می‌آیند. همچنین، به‌معنای سرسختی در مقابل استرس، توانایی برگشت به حالت عادی و زنده ماندن و تلاش کردن در شرایط ناگوار است (دوو (Doo)، ۲۰۰۴). تاب‌آوری، به‌عنوان توانایی تشخیص و استفاده از قدرت‌های فردی و جمعی برای درست زیستن در زمان حال و پیشرفت در مدیریت زندگی روزانه است (میلر – کاراس (Miller-Karas)، ۲۰۱۵، ص ۶). در روان‌شناسی مثبت‌گرا، تاب‌آوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و چگونگی ایجاد این ظرفیت و به بیانی تاب‌آوردن افراد یکی از دغدغه‌های اصلی روان‌شناسان فعال در حوزه روان‌شناسی مثبت‌گراست.

مطالعات و پژوهش‌ها، پیرامون پیشایندهای تاب‌آوری در سال‌های اخیر روند افزایشی داشته است. این پژوهش‌ها، بر عوامل درون فردی، خانوادگی و بافت محیطی در قالب عوامل محافظتی درونی و بیرونی تأکید داشته‌اند (رک: بای و ریپیتی (Bai & Repetti)، ۲۰۱۵؛ کایدخورد (Kayedkhordeh) و همکاران، ۲۰۱۴؛ صبوری‌پور و سامسیلاج، ۲۰۱۵؛ کمپل – سیلس (Campbell-Sills) و همکاران، ۲۰۰۶؛ شرودت (Schrodt) و همکاران، ۲۰۰۸؛ آراستامان و بالسی (Arastaman & Balci)، ۲۰۱۳؛ کابوینگ (Qiaobing) و همکاران، ۲۰۱۴؛ فلتچر و سارکار (Fletcher & Sarkar)، ۲۰۱۳).

از جمله عوامل پیشاینده تاب‌آوری که در پژوهش‌ها مورد تأکید قرار گرفته است، می‌توان به انگیزش درونی اشاره نمود. به‌طور کلی، انگیزش در قالب نیروهای درونی، صفات پایدار، پاسخ‌ای رفتاری به محرک او، مجموعه‌ای از باورها و عواطف، مفهوم‌سازی شده است (پینتریچ و شانک (Pintrich & Schunk)، ۲۰۰۲، ص ۱۷). به‌طور خاص، انگیزش درونی بیانگر گرایش ذاتی انسان به جست‌وجوگری، نوجویی، چالش‌طلبی، بیان و توسعه ظرفیت‌ها و توانایی‌های خویشتن است (ریان و دسی (Ryan & Deci)، ۲۰۰۰). از سازه‌هایی که در خصوص درک مؤلفه‌های انگیزش درونی، مطرح است، نیاز به شناخت است. نیاز به شناخت، انگیزش درونی برای تفکر است که با شاخص‌های متعددی از انگیزش درونی همبسته است (فارنهام و تورن (Furnham & Thorne)، ۲۰۱۳) و منجر به ارضای درونی، رضایت و هیجان فردی می‌گردد (لاهرودی (Lahroodi)، ۲۰۰۷). در واقع، این ویژگی به میزان درگیری فرد در فعالیت‌های فکری، میزان انگیزش برای پردازش اطلاعات، گرایش به درگیر شدن و لذت بردن از تفکر، پرتلاش اشاره دارد (کاسیوپو و پتی (Cacioppo & Petty)، ۱۹۸۲).

پژوهش‌های انجام شده در قلمرو پیش‌بینی تاب‌آوری، بر اساس نیاز به شناخت را می‌توان در پژوهش‌های مربوط به رابطه انگیزش درونی، تاب‌آوری، شناخت و تاب‌آوری مورد توجه قرار داد. وجود انگیزش درونی، ویژگی است که در اکثر مطالعات انجام شده در حوزه تاب‌آوری کودکان و نوجوانان تاب‌آور بیان شده است (کامپفر (Kumpfer)، ۱۹۹۹؛ لینی و ایلاین (Leanne & Elaine)، ۲۰۱۲؛ ویرجینیا (Virginia) و همکاران، ۲۰۱۴؛ هاناچ (Hannah) و همکاران، ۲۰۱۴؛ برزگر، ۱۳۹۳، ص ۷۴). برای مثال، نتایج پژوهش قاسم و حسین چاری (۱۳۹۱)، نشان داد که بر اساس انگیزش درونی و بیرونی، تاب‌آوری روان‌شناختی دانش‌آموزان قابل پیش‌بینی است و انگیزش درونی نسبت به انگیزش بیرونی توان پیش‌بینی بیشتری دارد. همچنین، مهارت‌های شناختی سطح بالا با تاب‌آوری رابطه مثبت و معنادار دارد (هاسر و آلن (Hauser & Allen)، ۲۰۰۶). در همین زمینه، محمت (Mehmet) (۲۰۱۳) و یلکین (Yelkin) و همکاران (۲۰۱۴)، به تأثیر مثبت آموزش حل مسئله در افزایش تاب‌آوری اشاره نموده‌اند. پژوهش‌های آنالاکشمی (Annalakshmi) (۲۰۰۸)، هالپرن (Halpern) (۲۰۰۹)، زوست (Zust) (۲۰۱۰) و ترخان (۱۳۹۲) نیز مؤید استفاده از راهبردهای فراسناختی و سطوح بالای تفکر انتزاعی مانند تفکر انتقادی در افراد تاب‌آور است.

انگیزش درونی از طریق دینداری و مذهب نیز نقش فعالی در رویارویی با شرایط دشوار و تقویت تاب‌آوری دارد. از نظر آلپورت، جهت‌گیری مذهبی به دو نوع «جهت‌گیری مذهبی درونی» و «جهت‌گیری مذهبی بیرونی» تقسیم می‌شود (وولف، ۱۹۹۷، ص ۳۳۵). در جهت‌گیری مذهبی درونی، انگیزه اصلی اعتقادات، درونی بوده و افراد برخوردار از این جهت‌گیری تلاش می‌کنند اعتقادات خود را درونی ساخته و آن را در زندگی خود به تمام و کمال برسانند و دستورات مذهبی را نیز هر چه کامل‌تر انجام دهند. در جهت‌گیری مذهبی بیرونی، رفتارهای مذهبی معانی دیگری برای فرد دارد. یعنی امور مذهبی به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف دیگر، مانند کسب آرامش و امنیت روانی، ابراز خود در اجتماعات مذهبی و تحکیم مقام و موقعیت اجتماعی و شخصی انجام می‌گیرد (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۴۴).

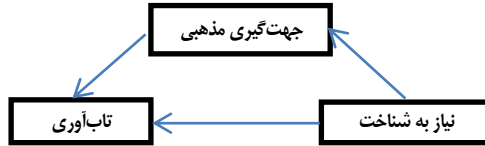
لازم به یادآوری است که انتخاب جهت‌گیری‌های مذهبی در خلأ صورت نمی‌گیرد، بلکه عوامل درونی بر انتخاب آنها مؤثر است. یافته‌های پژوهش باریت (Barrett) و همکاران (۲۰۰۵) و باتسون و رینور - پرنیس (Batson & Raynor-Prince) (۱۹۸۳)، بیانگر نقش مؤثر مؤلفه‌های انگیزش شناختی در جهت‌گیری‌های مذهبی است. باتسون و رینور - پرنیس (۱۹۸۳)، گزارش کرده‌اند که پیچیدگی شناختی بیشتر در تفکر، به طور مستقیم با جهت‌گیری جست‌وجوگری مذهبی در ارتباط است. باریت و همکاران (۲۰۰۵) نیز رابطه سازه انگیزشی - شناختی را با جهت‌گیری‌های مذهبی بررسی کرده‌اند و این استدلال را که جهت‌گیری‌های شناختی گسترده تأثیر سیستماتیک بر جهت‌گیری مذهبی دارند، مورد حمایت قرار داده‌اند.

افزون‌براین، مذهب یک عامل حفاظتی در مقابل آشفتگی‌های روانی است (پریبرام (Pribram)، ۲۰۰۰). به نظر کوئینگ (Koeing) (۲۰۰۷) مذهب برای افراد نقش سپر دفاعی در برابر عوامل مخرب و زبان‌آور و تنش‌زای محیطی ایفا می‌کند و از مؤثرترین تکیه‌گاه‌های روانی به‌شمار می‌رود. روان‌شناسان، حمایت‌های تجربی زیادی در زمینه وجود ارتباط مثبت بین مذهب و معنویت، با شاخص‌های سلامت روان، بهزیستی، شادی، خوش‌بینی و تاب‌آوری گزارش نموده‌اند (کاسن (Kasen) و همکاران، ۲۰۱۱؛ شلی (Shelley)، ۲۰۱۱؛ جوانمرد، ۲۰۱۳؛ دیوید (David)، ۲۰۱۳؛ مهری‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۵؛ جمشیدی سولکلو و همکاران، ۱۳۹۳؛ جانگ (Jung) و همکاران، ۲۰۱۳؛ الگا (Olga) و همکاران، ۲۰۱۳؛ آمالیه (Amalia) و همکاران، ۲۰۱۶؛ ۲۰۱۵؛ هارولد (Harold) و همکاران، ۲۰۱۴؛ احمدی جنب، ۲۰۱۱؛ احمدی و شاه‌محمدی، ۲۰۱۵؛ هارولد و همکاران، ۲۰۱۵؛ آندرو و سابرینا (Andrew & Sabrina)، ۲۰۱۶؛ رشیدیگی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۹).

یافته‌های پژوهشی در خصوص پیامدهای جهت‌گیری‌های درونی و بیرونی مذهبی، حاکی از این است که جهت‌گیری مذهبی درونی با پیامدهای مثبتی نظیر تاب‌آوری (چوکیو و پینگ (Chau-kiu & Ping)، ۲۰۱۲؛ کروک (Crook)، ۲۰۰۸؛ صدیقی‌ارفعی و همکاران، ۱۳۹۴)، شادکامی (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۵؛ ملتفت و همکاران، ۲۰۱۰)، سرسختی روان‌شناختی (یاسمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰)، سازگاری روان‌شناختی (خداپناهی و خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴) و خودمهارگری (حسین‌خانزاده و همکاران، ۲۰۱۳) همراه است. درحالی‌که، اغلب تحقیقات نشان می‌دهند که جهت‌گیری مذهبی بیرونی یا با این متغیرها رابطه منفی داشته یا در مقایسه با جهت‌گیری مذهبی درونی، همبستگی مثبت کمتری نشان داده است (بهرامی و رضانی فرانی، ۱۳۸۴).

هرچند در دهه‌های گذشته، پژوهش‌های متعددی در حوزه تاب‌آوری انجام شده است؛ اما از آنجاکه تاب‌آوری یک سازه چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل متعدد خانوادگی، فردی و اجتماعی قرار می‌گیرد و پژوهش‌هایی که تاکنون در خصوص این سازه صورت گرفته کمتر به عوامل فردی به ویژه عوامل انگیزشی - شناختی و اعتقادی پرداخته‌اند، انجام پژوهش برای تبیین نقش متغیرهای مذکور در تاب‌آوری ضرورت می‌یابد. همچنین، مطالعه زمینه‌های پرورش تاب‌آوری مستلزم انجام پژوهش‌های دقیق و جامع‌نگری است که عوامل و پیشایندهای تاب‌آوری را در قالب مدل‌های علی مورد بررسی قرار دهد، تا یافته‌های پراکنده در حوزه تاب‌آوری را تلفیق و اندیشه‌ای نو در مورد آن ارائه دهد. علاوه بر این، شواهد تجربی حاکی از نیاز دانشجویان به داشتن قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی است که آنان را مقابل استرس‌های تجربه شده دوره دانشجویی همچون دوری از محیط خانواده، کم‌رنگ شدن چترهای حمایتی - عاطفی خانواده، تجربه محیط جدید، افزایش حجم دروس و قرارگرفتن در معرض فرهنگ‌های مختلف محافظت نماید و شرایط تهدیدکننده را برای آنان تبدیل به فرصت‌های پیشرفت نماید. براین‌اساس، هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش واسطه‌ای جهت‌گیری مذهبی در رابطه با نیاز به شناخت و

تاب‌آوری در قالب یک مدل علی بود. در این راستا، به این اهداف نیز پرداخته شد: پیش‌بینی تاب‌آوری دانشجویان بر اساس نیاز به شناخت، پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی دانشجویان بر اساس نیاز به شناخت و پیش‌بینی تاب‌آوری دانشجویان بر اساس جهت‌گیری مذهبی. مدل مفهومی پژوهش حاضر در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مدل مفهومی، این پژوهش در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. آیا بر اساس نیاز به شناخت، می‌توان تاب‌آوری دانشجویان را پیش‌بینی کرد؟
۲. آیا بر اساس نیاز به شناخت، می‌توان جهت‌گیری مذهبی دانشجویان را پیش‌بینی کرد؟
۳. آیا بر اساس جهت‌گیری مذهبی، می‌توان تاب‌آوری دانشجویان را پیش‌بینی کرد؟
۴. آیا جهت‌گیری مذهبی می‌تواند نقش واسطه‌ای بین نیاز به شناخت و تاب‌آوری داشته باشد؟

روش پژوهش

این پژوهش، از نوع همبستگی است که در آن روابط علی بین نیاز به شناخت (متغیر برون‌زاد)، جهت‌گیری مذهبی (متغیر واسطه‌ای) و تاب‌آوری (متغیر درون‌زاد) با استفاده از تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفته است.

جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان دختر و پسر دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان فارس (شامل کلیه پردیس‌های تابعه) و شامل همه رشته‌های تحصیلی در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ بود. تعداد نمونه انتخابی بر اساس نظر کلاین (Cline) (۲۰۱۱) ۳۲۰ نفر (۱۶۰ دختر و ۱۶۰ پسر) در نظر گرفته شد. تعداد مورد نظر از میان این جامعه، به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. روش انتخاب آنان، به این صورت بود که ابتدا با توجه به پراکندگی پردیس‌ها از نظر جنسیت و رشته‌های تحصیلی تعداد ۲ پردیس دخترانه و ۲ پردیس پسرانه به روش تصادفی انتخاب و سپس، در هر پردیس از هر رشته تحصیلی، ۲ کلاس (در مجموع ۱۶ کلاس) به روش تصادفی انتخاب شده، و کلیه دانشجویان این کلاس‌ها مورد مطالعه قرار گرفتند. لازم به یادآوری است که معیار ورود به پژوهش عبارت بود از: دانشجوی کارشناسی پیوسته. بنابراین، دانشجویان کارشناسی ناپیوسته و کارشناسی ارشد در این پژوهش منظور نشدند. همچنین، برای رعایت اصول اخلاقی، رضایت آگاهانه همه آزمودنی‌ها کسب گردید و اطلاعات نیز بدون ذکر نام آزمودنی‌ها دریافت و محرمانه بودن آنها مورد تأکید قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش

مقیاس نیاز به شناخت (NCS): این مقیاس توسط کاسویو (Kao) و همکاران (۱۹۸۴) ساخته شده، مشتمل بر ۱۸

گویه (۹ گویه منفی و ۹ گویه مثبت) است که در مجموع یک عامل (نیاز به شناخت) را می‌سنجد و به شیوه لیکرت در یک طیف پنج درجه‌ای (از ۱= قطعاً غلط است تا ۵= قطعاً صحیح است) نمره‌گذاری می‌شود و گویه‌های منفی نیز به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. کمترین نمره کسب شده در این مقیاس، ۱۸ و بیشترین نمره ۹۰ است. آزمودنی‌هایی که نمره‌های بالاتر در این مقیاس کسب می‌کنند، دارای نیاز به شناخت بیشتر هستند. نمونه‌ای از گویه‌های این مقیاس عبارت است از: «من مسائل پیچیده را به مسائل ساده ترجیح می‌دهم».

سازندگان مقیاس، پایایی آن را با استفاده از روش آلفای کرونباخ، برابر با ۰/۹۰ و روایی همزمان این مقیاس با فرم بلند آن را برابر با ۰/۹۵ گزارش کردند (کاسیوپو و همکاران، ۱۹۸۴). بر اساس مطالعات قبلی، این مقیاس دارای ثبات درونی و پایایی بالایی بوده و روایی همگرا و روایی افتراقی مطلوبی دارد (پتی (Petty) و همکاران، ۲۰۰۹). طاهرپور و همکاران (۱۳۸۴) نیز ضریب آلفای کرونباخ آن را ۰/۹۰، حسینی و لطیفیان (۱۳۸۸) ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند. همچنین، سهائیان و یوسفی (۱۳۸۶) روایی همزمان این مقیاس با فرم بلند آن را برابر با ۰/۹۵ گزارش نموده‌اند. در این پژوهش، برای تعیین روایی این ابزار از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس یک عامل را استخراج کرد. ملاک استخراج عامل شیب، نمودار اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. مقادیر ضرایب KMO ۰/۸۹ و کرویت بارلت ($1562/69$ ، $P < 0/001$)، حاکی از کفایت نمونه‌برداری و ماتریس همبستگی ماده‌ها داشت. گویه‌های ۱۶ و ۱۷، به دلیل ضریب همبستگی پایین حذف شدند. دامنه بار عاملی گویه‌ها بین ۰/۴۳ تا ۰/۶۹ بود. پایایی آن نیز بر حسب ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ بود.

پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی: این پرسش‌نامه توسط آلپورت و راس (۱۹۶۷) ساخته شده است که یک مقیاس ۲۰ گویه‌ای خودگزارشی است که دو جهت‌گیری درونی (۱۱ گویه) و جهت‌گیری بیرونی (۹ گویه) را اندازه‌گیری می‌کنند. پاسخ‌های هر گویه بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود. کمترین نمره کسب شده در جهت‌گیری درونی ۱۱ و بیشترین نمره ۵۵ است. همچنین، کمترین نمره کسب شده در جهت‌گیری بیرونی ۹ و بیشترین نمره ۴۵ است. نمونه‌ای از گویه‌ها، عبارتند از: «سخت تلاش می‌کنم تا در تمام شئون زندگی‌ام پایبند به مذهب باشم» (جهت‌گیری درونی مذهبی). «گاهی اوقات متوجه می‌شوم که لازم است عقاید مذهبی‌ام را در جهت رفاه اجتماعی و اقتصادی‌ام تعدیل کنم» (جهت‌گیری بیرونی مذهبی).

آلپورت و راس (۱۹۶۷)، پایایی و روایی نمرات حاصل از این پرسش‌نامه را مورد تأیید قرار دادند. نتایج برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز حاکی از روایی و پایایی مطلوب این ابزار است (تایلر و مک‌دونالد (Taylor & McDonald)، ۱۹۹۹؛ شرم (Sherman)، ۲۰۰۰). در ایران نیز پایایی این آزمون به روش آلفای کرونباخ توسط جان‌نزرگی (۱۳۷۸)، مطلوب گزارش شده است. همچنین، عیسی‌زادگان و همکاران (۱۳۹۱) روایی این پرسش‌نامه را از طریق

تحلیل عاملی تأییدی مطلوب گزارش کرده‌اند؛ و پایایی آن را از طریق آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری مذهبی درونی ۰/۷۹ و برای جهت‌گیری مذهبی بیرونی ۰/۷۳ گزارش نموده‌اند. شفیعی و همکاران (۱۳۹۱)، با استفاده از تحلیل عاملی، دو عامل را استخراج نموده و پایایی آن را از طریق آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری مذهبی درونی، ۰/۶۲ و برای جهت‌گیری مذهبی بیرونی، ۰/۷۱ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش، برای تعیین روایی این ابزار از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی وجود دو عامل را مورد تأیید قرار داد. ملاک استخراج عوامل، شیب نمودار اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. مقدار ضریب KMO، برابر با ۰/۷۹ و ضریب کرویت بارتلت، برابر با ۱۴۷۰/۴۳، $P < ۰/۰۰۱$ بود. گویه ۳، به دلیل ضریب همبستگی پایین حذف شد. مقادیر بار عاملی گویه‌ها در دو عامل استخراج شده، از ۰/۳۷ تا ۰/۶۸ در نوسان بود. برای تعیین پایایی نیز روش ضریب آلفای کرونباخ مورد استفاده قرار گرفت که ضرایب ۰/۷۸ و ۰/۷۴ به ترتیب، برای جهت‌گیری مذهبی بیرونی و جهت‌گیری مذهبی درونی به دست آمد.

مقیاس تاب‌آوری بزرگسالان (RSA): نسخهٔ اولیه مقیاس تاب‌آوری بزرگسالان توسط هم‌دال (Hjemdal) و همکاران (۲۰۰۱) ساخته شد. این مقیاس، شامل ۴۳ سؤال و دارای ۵ بُعد بود. بُعد شایستگی فردی شامل ۱۲ گویه، بُعد شایستگی اجتماعی شامل ۱۰ گویه، بُعد انسجام خانوادگی شامل ۷ گویه، بُعد منابع اجتماعی، شامل ۹ گویه و بُعد ساختار فردی شامل ۵ گویه است. برای نمره‌گذاری این مقیاس، پاسخ‌های هر گویه بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود. کمترین و بیشترین نمره کسب شده در زیرمقیاس‌ها به ترتیب عبارتند از: شایستگی فردی: ۱۲ و ۶۰؛ شایستگی اجتماعی: ۱۰ و ۵۰؛ انسجام خانوادگی: ۷ و ۳۵؛ منابع اجتماعی: ۹ و ۴۵ و ساختار فردی: ۵ و ۲۵. نمونه‌ای از گویه‌های هر یک از ابعاد عبارتند از: «توانایی‌های خود را قبول دارم» (شایستگی فردی)؛ «به آسانی روابط دوستانه جدید برقرار می‌کنم» (شایستگی اجتماعی)؛ «مرتب با خانواده‌ام در تماس هستم» (انسجام خانوادگی)؛ «از بودن با خانواده‌ام لذت می‌برم» (منابع اجتماعی) و «به خوبی می‌توانم برای وقتم برنامه‌ریزی کنم» (ساختار فردی).

هم‌دال و همکاران (۲۰۰۱)، برای بررسی ساختار عاملی این مقیاس از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده کردند و وجود ۵ عامل را مورد تأیید قرار دادند. همچنین این محققان، پایایی این مقیاس را برای کل مقیاس و زیرمقیاس‌ها، به روش آلفای کرونباخ بین ۰/۶۷ تا ۰/۹۳ و به روش بازآزمایی بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند. جوکار و همکاران (۲۰۱۰)، روایی و پایایی این مقیاس را در ایران مورد بررسی قرار داده و پایایی زیرمقیاس‌ها را به روش آلفای کرونباخ به ترتیب، برای شایستگی فردی ۰/۸۰؛ شایستگی اجتماعی ۰/۷۶؛ انسجام خانواده ۰/۸۳؛ منابع اجتماعی ۰/۸۴ و ساختار فردی ۰/۷۷ گزارش نموده‌اند. نتایج تحلیل عاملی در پژوهش آنها تأیید کننده وجود پنج عامل در مقیاس بود. چالمه (۱۳۹۰) نیز روایی و پایایی این مقیاس را مورد بررسی قرار داده که نتایج تحلیل عاملی تأیید کننده وجود پنج عامل در مقیاس بود. نتایج پایایی زیرمقیاس‌ها نیز در پژوهش وی، به

روش آلفای کرونباخ به ترتیب، برای شایستگی فردی، ۰/۹۰؛ شایستگی اجتماعی، ۰/۸۳؛ انسجام خانواده، ۰/۷۲؛ منابع اجتماعی، ۰/۷۱ و ساختار فردی، ۰/۸۰ گزارش شده است.

در این پژوهش، برای تعیین روایی این ابزار از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی، به روش مؤلفه‌های اصلی وجود پنج عامل را مورد تأیید قرار داد. ملاک استخراج عوامل، شیب نمودار اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. مقدار ضریب KMO، برابر با ۰/۹۲ و ضریب کرویت بارتلت، برابر با ۷۸۶۷/۳۳، $P < ۰/۰۰۱$ بود. گویه ۶ به دلیل سرگردانی بین دو عامل حذف شد. دامنه بار عاملی گویه‌ها، در پنج عامل استخراج شده، بین ۰/۳۰ تا ۰/۸۱ بود. ضرایب آلفای کرونباخ نیز برای زیرمقیاس‌ها به ترتیب برای شایستگی فردی، ۰/۹۱؛ شایستگی اجتماعی، ۰/۹۰؛ انسجام خانواده، ۰/۸۸؛ منابع اجتماعی، ۰/۸۸ و ساختار فردی، ۰/۸۴ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

برای ارائه تصویری روشن از متغیرهای پژوهش، میانگین، انحراف استاندارد و ضریب همبستگی پیرسون (مرتبه صفر) برای متغیرهای مدل پیشنهادی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق در کل نمونه

S.D	M	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	متغیرها
۸/۸۱	۵۶/۱۵								۱	۱. نیاز به شناخت
۶/۷۷	۳۲/۹۱							۱	** -۰/۲۰	۲. جهت‌گیری بیرونی
۴/۳۴	۳۰/۹۴						۱	-۰/۰۶	** ۰/۲۶	۳. جهت‌گیری درونی
۶/۷۵	۴۴/۰۵					۱	** ۰/۲۸	-۰/۰۹	** ۰/۳۹	۴. شایستگی فردی
۷/۴۰	۳۷/۲۹				۱	** ۰/۵۲	** ۰/۱۶	-۰/۰۸	** ۰/۲۵	۵. شایستگی اجتماعی
۵/۸۳	۳۶/۶۶			۱	** ۰/۳۷	** ۰/۴۳	** ۰/۲۶	** ۰/۱۲	** ۰/۱۵	۶. انسجام خانوادگی
۴/۹۲	۳۷/۸۴		۱	** ۰/۶۴	** ۰/۴۳	** ۰/۳۹	** ۰/۲۴	-۰/۰۱	-۰/۰۶	۷. منابع اجتماعی
۳/۷۹	۱۸/۴۰	۱	** ۰/۴۰	** ۰/۳۷	** ۰/۳۳	** ۰/۵۰	** ۰/۲۸	-۰/۰۵	** ۰/۴۰	۸. ساختار فردی

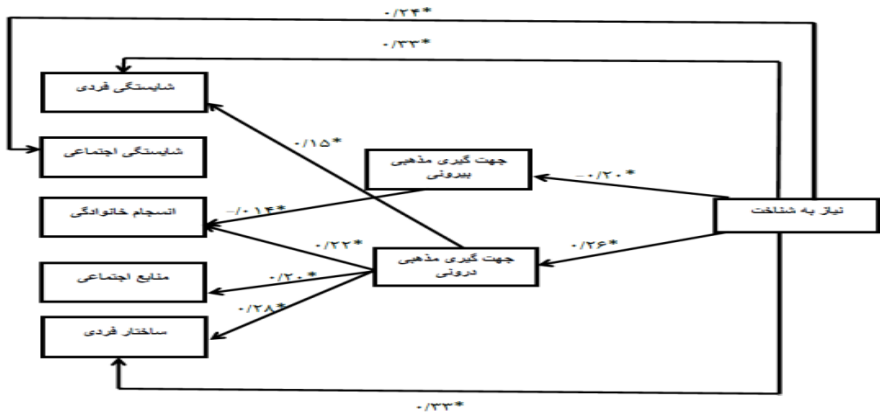
** $P < ۰/۰۱$ * $P < ۰/۰۵$

در بخش آزمون مدل، برای انجام تحلیل مسیر از نرم‌افزار AMOS استفاده گردید. جدول ۲، شاخص‌های برازش را بعد از اصلاح مدل نشان می‌دهد.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل، بعد از اصلاح مدل

PCLOSE	RMSEA	IFI	TLI	NFI	CFI	GFI	P	χ^2/df
۰/۷۶۸	۰/۰۲	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۳۱۱	۱/۱۷

شکل زیر مدل نهایی آزمون شده و برازش شده را با ضرایب استاندارد مستقیم نشان می‌دهد. همچنین، جدول ۳ ضرایب مسیر مستقیم موجود در مدل را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش ($P < .01$)

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، نتایج آزمون سؤال ۱ مبنی بر پیش‌بینی تاب‌آوری دانشجویان بر اساس نیاز به شناخت بیانگر آن است که نیاز به شناخت، شایستگی فردی ($\beta = 0/33, P < 0/001$)، شایستگی اجتماعی ($P < 0/001$)، $\beta = 0/24$ و ساختار فردی ($\beta = 0/33, P < 0/001$) را به نحو مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌کند. نتایج آزمون سؤال ۲ پژوهش نیز که بیانگر پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی بر اساس نیاز به شناخت بود، نشان می‌دهد که نیاز به شناخت قادر است جهت‌گیری مذهبی بیرونی ($\beta = 0/20, P < 0/001$) را به صورت منفی و معنادار و جهت‌گیری مذهبی درونی ($\beta = 0/26, P < 0/001$) را به نحو مثبت و معنادار پیش‌بینی کند. همچنین، نتایج آزمون سؤال ۳ پژوهش نشان می‌دهد که جهت‌گیری مذهبی بیرونی می‌تواند تنها بعد انسجام خانوادگی ($\beta = 0/14, P < 0/001$) را به صورت منفی و معنادار پیش‌بینی کند. اما جهت‌گیری مذهبی درونی، قادر است چهار بعد شایستگی فردی ($P < 0/001$)، $\beta = 0/15$ ، انسجام خانوادگی ($\beta = 0/22, P < 0/001$)، منابع اجتماعی ($\beta = 0/20, P < 0/001$) و ساختار فردی ($\beta = 0/28, P < 0/001$) را به صورت مثبت و معنادار پیش‌بینی کند.

جدول ۳. ضرایب مسیر مستقیم متغیرهای موجود در مدل

P	T	SE	β	B	مسیر مستقیم
$P < 0/001$	۶/۹۳	۰/۰۳۶	۰/۳۳	۰/۲۵	نیاز به شناخت به شایستگی فردی
$P < 0/001$	۴/۸۷	۰/۰۴۱	۰/۲۴	۰/۲۰	نیاز به شناخت به شایستگی اجتماعی
$P < 0/001$	۶/۹۱	۰/۰۲۰	۰/۳۳	۰/۱۴	نیاز به شناخت به ساختار فردی
$P < 0/001$	-۲/۶۶	۰/۰۴۲	-۰/۲۰	-۰/۱۵	نیاز به شناخت به جهت‌گیری مذهبی بیرونی
$P < 0/001$	۴/۹۰	۰/۰۲۷	۰/۲۶	۰/۱۳	نیاز به شناخت به جهت‌گیری مذهبی درونی
$P < 0/001$	-۲/۵۰	۰/۰۳۵	-۰/۱۴	-۰/۱۲	جهت‌گیری مذهبی بیرونی به انسجام خانوادگی
$P < 0/001$	۳/۳۰	۰/۰۷۲	۰/۱۵	۰/۲۴	جهت‌گیری مذهبی درونی به شایستگی فردی
$P < 0/001$	۴/۳۵	۰/۰۶۸	۰/۲۲	۰/۳۰	جهت‌گیری مذهبی درونی به انسجام خانوادگی
$P < 0/001$	۳/۹۹	۰/۰۵۶	۰/۲۰	۰/۲۲	جهت‌گیری مذهبی درونی به منابع اجتماعی
$P < 0/001$	۵/۵۹	۰/۰۴۳	۰/۲۸	۰/۲۴	جهت‌گیری مذهبی درونی به ساختار فردی

سؤال چهارم پژوهش درباره نقش واسطه‌ای جهت‌گیری مذهبی بین نیاز به شناخت و تاب‌آوری بود. برای برآورد و تعیین معناداری مسیرهای غیرمستقیم از دستور بوت‌استرپ در نرم‌افزار AMOS استفاده گردید. جدول ۴، مسیرهای غیرمستقیم موجود در مدل را که معنادار هستند، نشان می‌دهد و این حاکی از معناداری نقش واسطه‌ای جهت‌گیری‌های مذهبی در رابطه با نیاز به شناخت و تاب‌آوری است.

جدول ۴. برآورد مسیرهای غیرمستقیم موجود در مدل با استفاده از بوت‌استرپ

مسیر غیرمستقیم	مقدار	حد پایین	حد بالا	P
نیاز به شناخت به شایستگی فردی با واسطه جهت‌گیری درونی مذهبی	۰/۰۴۱	۰/۰۱۹	۰/۰۶۶	P<۰/۰۰۱
نیاز به شناخت به منابع اجتماعی با واسطه جهت‌گیری درونی مذهبی	۰/۰۵۳	۰/۰۲۹	۰/۰۸۱	P<۰/۰۰۱
نیاز به شناخت به ساختار فردی با واسطه جهت‌گیری درونی مذهبی	۰/۰۷۳	۰/۰۴۳	۰/۱۰۳	P<۰/۰۰۱
نیاز به شناخت به انسجام خانوادگی با واسطه جهت‌گیری درونی و بیرونی	۰/۰۸۷	۰/۰۵۲	۰/۱۲۵	P<۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، تعیین نقش واسطه‌ای جهت‌گیری مذهبی در رابطه با نیاز به شناخت و تاب‌آوری در قالب یک مدل علی بود. بدین منظور، چهار سؤال اساسی برای هدف مذکور در نظر گرفته شد. سؤال نخست این پژوهش، مبنی بر ارتباط نیاز به شناخت (به‌عنوان نوعی انگیزش درونی) با تاب‌آوری (شایستگی فردی، شایستگی اجتماعی و ساختار فردی) مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه آزمون این فرضیه، همسو با پژوهش‌های کامپفر (۱۹۹۹)، هاناح و همکاران (۲۰۱۴)، لینی و یایلین (۲۰۱۲)، ویرجینیا و همکاران (۲۰۱۴)، برزگر (۱۳۹۳) و قاسم و حسین‌چاری (۱۳۹۱) است که وجود رابطه بین انگیزش درونی و تاب‌آوری را گزارش نموده‌اند. همچنین، یافته‌های محمت (۲۰۱۳)، یلکین و همکاران (۲۰۱۴)، هاسر و آلن (۲۰۰۶)، هالپرن (۲۰۰۹) و زوست (۲۰۱۰) که بیانگر تأثیر مثبت استفاده از مهارت‌های شناختی سطح بالا و راهبردهای فراشناختی در افزایش تاب‌آوری است، با نتیجه به‌دست‌آمده در این پژوهش، همخوانی دارد. در تبیین رابطه مثبت بین نیاز به شناخت و تاب‌آوری باید گفت: انگیزش منبع هدایت و تعیین مسیر تلاش‌های فرد در زندگی است. افراد با نیاز به شناخت بالا با اتخاذ یک جهت‌گیری عمیق در موقعیت‌های چالش‌انگیز، تحلیل‌گران خوبی از شرایط پیش روی خود هستند. افرادی که نیاز به شناخت بالاتری را تجربه می‌کنند، از پختگی فکری بیشتری برخوردارند و نه تنها از مواجهه با مسائل و موقعیت‌های پیچیده هراسی نداشته، بلکه از چنین موقعیت‌ها و چالش‌ها لذت هم می‌برند. همچنان‌که لاهرودی (۲۰۰۷) اظهار نموده است، نیاز به شناخت خود عامل ارضای درونی، رضایت و هیجان فردی می‌گردد. براین‌اساس، داشتن انگیزه به‌عنوان نیروی محرکه رفتار، زمینه‌ساز در اصرار، کوشش و پافشاری بر اهدافی است که این ویژگی‌ها در افراد تاب‌آور قابل ملاحظه است. روشن است هر چه انگیزش درونی‌تر شود، از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار می‌شود؛ چرا که خودخواسته‌تر و برای فرد لذت‌بخش‌تر خواهد بود.

نتایج آزمون سؤال دوم پژوهش، نشان داد که نیاز به شناخت با جهت‌گیری مذهبی رابطه‌ای معنادار دارد؛ به این صورت که نیاز به شناخت جهت‌گیری مذهبی بیرونی را به طور منفی و جهت‌گیری مذهبی درونی را به طور مثبت پیش‌بینی می‌کند. این نتیجه، با یافته‌های پژوهش‌های باریت و همکاران (۲۰۰۵) و باتسون و رینور - پرنس (۱۹۸۳) شباهت‌هایی دارد. در تبیین یافته‌های فوق می‌توان گفت: افراد دارای نیاز به شناخت غالباً با ژرف‌نگری به فلسفه و غایت زندگی می‌اندیشند؛ مبانی و باورهای فکری و مذهبی خود را متفکرانه سازمان می‌دهند؛ و در گزینش مذهب خود، ژرف‌اندیش، سخت‌کوش و جست‌وجوگر هستند. بنابراین، از مشخصه‌های بارز این افراد، تمایل به کسب دانش و درگیر شدن در فعالیت‌های شناختی و لذت بردن از آنهاست (قربانی و همکاران، ۲۰۰۴). از سوی دیگر، افرادی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند، به تعالیم مذهبی‌شان صادقانه اعتقاد دارند و اعمال مذهبی آنان از عقیده و علم باطنی آنها نشئت می‌گیرد. بنابراین، طبیعی است که نیاز به شناخت با جهت‌گیری مذهبی درونی رابطه مثبتی داشته باشد. با بررسی ماهیت ابعاد جهت‌گیری مذهبی از دیدگاه آلپورت و راس می‌توان به درک بهتری از این یافته پژوهش رسید (وولف، ۱۹۹۷، ص ۳۳۵). از نظر این پژوهشگران، افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی، رویکردی خودخواهانه و ابزاری به مذهب دارند که منافعی برای فرد به ارمغان می‌آورد. در مقابل، افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی، قطع‌نظر از منافع شخصی یا اجتماعی، سبکی از مذهب را برای به دست آوردن احساس معنا و هدف در نظر می‌گیرند. در همین راستا آرگایل (Argyle) نیز معتقد است: مکانیسم اصلی در پس عقاید مذهبی نوعی میل کاملاً شناختی به فهمیدن است (اسپیلکا و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲۳). با توجه به مطالب مذکور، دربارهٔ رابطهٔ مثبت نیاز به شناخت با جهت‌گیری درونی مذهبی، وجود رابطه منفی بین نیاز به شناخت و جهت‌گیری مذهبی بیرونی نیز موجه و منطقی به نظر می‌رسد.

سؤال سوم پژوهش، مربوط به پیش‌بینی تاب‌آوری از روی جهت‌گیری مذهبی بود. این یافته‌ها بیانگر وجود ارتباط مثبت و معنادار بین جهت‌گیری مذهبی درونی و ابعاد تاب‌آوری به غیر از بُعد شایستگی اجتماعی بود. همچنین، جهت‌گیری مذهبی بیرونی، تنها با بُعد انسجام خانوادگی رابطهٔ منفی معنادار داشت و با سایر ابعاد تاب‌آوری رابطه نداشت. نتایج این پژوهش با پژوهش کروک (Krok) (۲۰۰۸) همسویی دارد. وی نشان داد افرادی که از نظر مذهبی در سطح بالاتری قرار دارند، سعی می‌کنند مسائل خود را به شیوه حل مسئله و همراه با حمایت اجتماعی مرتفع کنند. همسو با نظر آلپورت و راس که می‌گوید: «مطمئناً جهت‌گیری مذهبی درونی برخلاف جهت‌گیری مذهبی بیرونی موجب سلامت روانی می‌شود»، اکثر شواهد پژوهشی حاکی از ارتباط مثبت بین جهت‌گیری درونی مذهبی با تاب‌آوری و سازه‌های مشابه همچون سرسختی، سازگاری، سلامت روانی و بهزیستی هستند (ماتیوز (Matthews)، ۱۹۹۶). (ر.ک: حسین‌خانزاده و همکاران، ۲۰۱۳؛ چوکی و پینگ، ۲۰۱۲؛ کاس و همکاران، ۲۰۱۱؛ ملتفت و همکاران، ۲۰۱۰؛ کروک، ۲۰۰۸؛ رشیدی و همکاران، ۱۳۹۵؛ صدیقی‌ارفعی و همکاران، ۱۳۹۴؛ یاسمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰).

یافته‌های فوق، مبنی بر ارتباط مثبت جهت‌گیری مذهبی درونی با تاب‌آوری و سازه‌های مشابه از دو جنبه قابل تبیین است. هانلر و جنکز (Hunler & Gencoz) (۲۰۰۵)، بر این باورند که دین یک سیستم جهت‌گیری به فرد عرضه می‌کند که روش‌هایی را که افراد از آنها برای یافتن معنا در زمان استرس استفاده می‌کنند، شکل داده و هدایت می‌کند. همچنین، از دیدگاه برگین (Bergin) (۱۹۹۱)، افرادی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند، به علت نوع تعبیر و تفسیری که از وقایع دارند، استرس کمتری را تجربه می‌کنند. اما افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی به علت نگاه ابزاری به دین، استرس بیشتری را تجربه می‌کنند. اعتقادات و باورهای عمیق و درونی‌شده مذهبی، هدف زندگی را برای فرد روشن می‌کنند و موجب می‌شوند فرد رویدادهای غیرمنتظره را به‌عنوان رویدادهای کمتر تهدیدکننده ارزیابی کند و قادر باشد رویدادهای غیرقابل تغییر را بپذیرد. از این رو، می‌توان گفت: مذهب درونی چارچوبی فردی از معناست که به فرد امکان تفسیر از زندگی و رخدادهای پیش آمده را می‌دهد و می‌تواند منجر به پیامدهای مثبت سازگاری و بهزیستی در افراد شود.

تبیین دیگر از رابطه جهت‌گیری مذهبی درونی با تاب‌آوری، احساس قدرت و آرامش درونی حاصل از باورهای عمیق مذهبی است که در شرایط دشوار، مذهب منبعی بزرگ برای رسیدن به آرامش و پذیرش موقعیت محسوب می‌شود. با استناد به آیه شریفه «آگاه باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد» (رعد: ۲۸)، می‌توان گفت: یکی از نتایج ایمان درونی و واقعی به خداوند و عمل به اقتضای این ایمان، آرامش درون و تاب‌آوری در برابر مشکلات است. افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی برخلاف افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند، مذهب را به مثابه هدف در نظر می‌گیرند؛ دارای نظام درونی ارزشی و اعتقادی قوی هستند و اعمالشان ناشی از احساس تعهد و وظیفه‌شناسی است. بر اساس این نظام اعتقادی، نیروی مذهب قادر است در تمام مراحل شرایط تهدیدکننده و دشوار زندگی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی برای رفتارهای خود معیارهای روشنی دارند که عمل به آن موجب رضایت از زندگی (بال (Ball) و همکاران، ۲۰۰۳) و افزایش اعتمادبه‌نفس و عزت نفس می‌گردد که خود از عناصر مهم و تأثیرگذار بر تاب‌آوری هستند (آورد و گرادوس، ۲۰۰۵). چنین افرادی با تکیه بر مذهب درون که همان ایمان واقعی است و با اتکا به قدرت الهی و اعتماد به خدای قادر، ضمن پیش‌بینی امکان وقوع حوادث ناگوار، احتمال وقوع رخدادهای خوشایند را برای خود بیشتر می‌دانند و رخدادهای ناخوشایند را با توکل به نیروی ایمان به راحتی پشت سر می‌گذارند. این امر، موجب تسهیل تاب‌آوری و افزایش سلامت روانی آنان می‌شود. با توجه به تعریفی که دوو (۲۰۰۴) از تاب‌آوری، به معنای «سرسختی در مقابل استرس و زنده ماندن و تلاش در شرایط ناگوار» ارائه نموده است، مفهوم سرسختی در این تعریف بیشتر با جهت‌گیری مذهبی درونی همسویی دارد. افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی، نسبت به افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی از تعهد و مبارزه‌جویی بیشتری برخوردارند. سرسختی، ترکیبی از باورها در مورد خود و جهان است که از سه جزء تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی تشکیل شده است (یاسمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). درحالی‌که، افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی از مذهب به‌عنوان دستاویزی در جهت ارضای نیازهای فردی و اجتماعی خود سود می‌جویند و با این ویژگی‌ها کمتر مأنوس‌اند. از این رو، عدم ارتباط جهت‌گیری مذهبی بیرونی با تاب‌آوری مستدل و قابل قبول به نظر می‌رسد.

در ارتباط با رابطه منفی جهت‌گیری مذهبی بیرونی با بُعد انسجام خانوادگی تاب‌آوری باید گفت: یکی از کارکردهای اجتماعی دین توجه به مبانی، استحکام و انسجام خانواده است که از مؤلفه‌های مهم تاب‌آوری محسوب می‌شود. همان‌گونه که لامسدن و ویلسون (Lumsden & Wilson) (۱۹۸۳) اظهار می‌کنند: دین ابزار قدرتمندی است که افراد را در یک حیطه جذب کرده و از نظر روان‌شناختی نیرومند می‌سازد. انسجام خانواده که بیانگر همکاری، حمایت و ثبات در روابط افراد خانواده است، متضمن دیدگاه مذهبی متعهدانه است. وجود رابطه مثبت و معنادار بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بُعد انسجام خانوادگی در این پژوهش شاهد این مطلب است. در همین راستا، فیلسینگر (Filsinger) و ویلسون (۱۹۸۴) معتقدند: دین‌ورزی (مذهب درونی) و سعادت زناشویی، دوش به دوش هم حرکت می‌کنند. با این حال، وجود رابطه منفی بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و انسجام خانوادگی بدیهی به نظر می‌رسد. افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی از مذهب به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به خواسته‌های خود بهره می‌گیرند. هرچند نیل به چنین اهدافی مستلزم نوعی سازگاری اجتماعی است، اما این خود می‌تواند عاملی برای کنار گذاشتن و بی‌اعتنایی به ویژگی‌هایی مانند همکاری، خوش‌نیتی، گذشت، همدلی و نظیر اینها باشد، که لازمه انسجام خانوادگی است.

نتایج آخرین سؤال پژوهش که مربوط به هدف اصلی پژوهش بود، بیانگر این بود که جهت‌گیری‌های مذهبی (درونی / بیرونی)، بین نیاز به شناخت و تاب‌آوری نقش واسطه‌ای دارد. به عبارت دیگر، جهت‌گیری مذهبی علاوه بر اینکه تأثیر مستقیم بر تاب‌آوری دارد، به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای بین نیاز به شناخت و تاب‌آوری نیز ایفای نقش می‌کند. معمولاً میزان نیاز افراد به جست‌وجو و فهم مطالب جدید یا نیاز به شناخت افراد را وادار به جست‌وجوی ذهنی بیشتر در مسائل و جهت‌گیری‌های مختلفی که فراروی آنهاست، می‌نماید. نیاز به شناخت، به‌مثابه نیروی محرکه‌ای عمل می‌کند که فرد را به صورت هوشیارانه هنگام اتخاذ مواضع در برابر مسائل و شکل‌گیری نگرش‌های جدید پشتیبانی می‌کند. اینکه شخص در طول مدت رشد خود با کدام جهت‌گیری مذهبی همراه شود می‌تواند بسته به میزان درگیری او با مسائل ذهنی و چالش‌های فکری‌اش باشد. همچنان که یکی از شاخص‌های جهت‌گیری مذهبی درونی داشتن روحیه مطالعه و جست‌وجوگری است، میزان نیاز افراد به شناخت می‌تواند تأمین‌کننده و زیربنای این جهت‌گیری مذهبی باشد. در این صورت، چنانچه فرد با باورهای مذهبی عمیق و آگاهانه رشد نماید، شخصیتش به مقدار زیادی تحت نفوذ مذهب قرار گرفته و رفتارهای مذهبی فرد منعکس‌کننده ویژگی‌های شخصیتی او خواهد بود. ویلیام جیمز، با اعتقاد به اینکه دین انسان، عمیق‌ترین و خردمندانه‌ترین چیز در حیات اوست، بیان می‌کند: «مذهب هر کس به آن اندازه است که خود او به آن رسیده است؛ و شخصیت هر کس پایه اصلی مذهب اوست» (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ص ۴۴). از این‌رو، انتظار می‌رود مذهب تکامل‌یافته و آگاهانه نقشی مؤثر در رویارویی با شرایط تهدیدکننده و آسیب‌زا ایفا کند و افراد را در برابر عوامل فشارزا مقاوم و تاب‌آور نماید. بنابراین، نیاز به شناخت می‌تواند منجر به شکل‌گیری جهت‌گیری مذهبی درونی گردد و جهت‌گیری مذهبی درونی نیز به نوبه خود موجب افزایش ابعاد مختلف تاب‌آوری می‌شود.

نتایج این پژوهش، در دو سطح نظری و کاربردی مهم است. اهمیت آن در سطح نظری تلفیق یافته‌های پراکنده، وضع مدلی جدید و ارائه بینشی تازه در حوزه مطالعات تاب‌آوری است. در سطح کاربردی نتایج این پژوهش می‌تواند به صورت یک راهنمای آموزشی جهت آموزش و تقویت تاب‌آوری دانشجویان در اختیار مشاوران، درمانگران، برنامه‌ریزان و والدین قرار گیرد. همچنین، می‌توان کارگاه‌ها و حتی دوره‌های آموزشی ویژه‌ای با تأکید بر نقش مذهب بر تاب‌آوری را تدوین و طراحی نمود که در آن نقش کارآمد مذهب بر تاب‌آوری را روشن ساخته و از این طریق، دانشجویان بتوانند از مذهب به‌عنوان زمینه‌ای مؤثر در افزایش تاب‌آوری بهره‌مند شوند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش مربوط به تعمیم یافته‌هاست. از آنجایی که جامعه آماری این پژوهش، فقط دانشجویان مقطع کارشناسی بود تعمیم نتایج به سایر گروه‌ها و دوره‌های تحصیلی باید محتاطانه صورت گیرد.

منابع

- آذربایجان، مسعود، ۱۳۸۲، *تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- اسپیلکا، برنارد و همکاران، ۲۰۰۳، *روان‌شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.
- برزگر، مهدی، ۱۳۹۳، *بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و تاب‌آوری تحصیلی: نقش واسطه‌گری انگیزش تحصیلی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی تربیتی، شیراز، دانشگاه شیراز.
- بهرامی، فاضل و عباس رضانی فرانی، ۱۳۸۴، «بررسی نقش باورهای مذهبی (درونی / بیرونی) در سلامت روان و میزان افسردگی سالمندان مقیم مراکز بهزیستی و غیرمقیم»، مرکز تحقیقات بهداشت روان انستیتو روان‌پزشکی، تهران، روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.
- ترخان، مرتضی، ۱۳۹۲، «اثربخشی آموزش گروهی تفکر انتقادی بر خودآثرمندی اجتماعی و تاب‌آوری»، *شناخت اجتماعی*، دوره دوم، ش ۴، ص ۱۰۰-۱۱۰.
- جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۷۸، *بررسی اثربخشی روان‌درمانگری کوتاه‌مدت، آموزش خودمهارگری با و بدون جهت‌گیری مذهبی اسلامی بر مهار اضطراب و تنیدگی*، پایان‌نامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- جمشیدی سولکلو و همکاران، ۱۳۹۳، «رابطه دینداری و تاب‌آوری در دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان شهر شیراز»، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره دهم، ش ۱، ص ۱۴۱-۱۶۱.
- چالمه، رضا، ۱۳۹۰، «بررسی کفایت روان‌سنجی مقیاس اندازه‌گیری تاب‌آوری در بین زندانیان زندان عادل‌آباد شهر شیراز: روایی، پایایی و ساختار عاملی»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، دوره چهارم، ش ۱، ص ۳۱-۴۳.
- حسینی، فریده‌سادات و مرتضی لطیفیان، ۱۳۸۸، «پنج عامل بزرگ شخصیت و نیاز به شناخت»، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، دوره ششم، ش ۲۱، ص ۶۱-۶۸.
- خداپناهی، محمدکریم و محمدعلی خاکسار بلداچی، ۱۳۸۴، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی در دانش‌جویان»، *روان‌شناسی*، دوره نهم، ش ۳، ص ۳۱۰-۳۲۰.
- رشیدبیگی، لیلا، ۱۳۹۳، *الگوی علی تجربه‌های دینی، شیوه‌های حل مسئله اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی*، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی تربیتی، شیراز، دانشگاه شیراز.
- رشیدی، علیرضا و همکاران، ۱۳۹۵، «بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با شادکامی و کیفیت زندگی»، *روان‌شناسی و دین*، دوره اول، ش ۲۳، ص ۱۴۳-۱۵۴.
- شریفی، طیبه و همکاران، ۱۳۸۴، «نگرش دینی و سلامت عمومی و شکیبایی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اهواز»، *اندیشه و رفتار*، دوره یازدهم، ش ۱، ص ۸۹-۹۹.
- شفیعی، نرگس و همکاران، ۱۳۹۱، «جهت‌گیری مذهبی و مرکز کنترل بیرونی، ارائه الگوی شادکامی در دانش‌آموزان»، *روان‌شناسی و دین*، دوره پنجم، ش ۴، ص ۱۰۵-۱۱۹.
- شهبانیان، آمنه و فریده یوسفی، ۱۳۸۶، «رابطه بین خودشکوفایی، رضایت از زندگی و نیاز به شناخت در دانش‌آموزان با استعدادهای درخشان»، *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، دوره هفتم، ش ۳، ص ۳۱۷-۳۳۶.
- صدیقی‌ارفعی، فریبرز و همکاران، ۱۳۹۴، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی با میزان تاب‌آوری دانشجویان»، *روان‌شناسی و دین*، دوره چهارم، ش ۲۲، ص ۱۲۷-۱۴۴.
- طاهرپور، فیروزه و همکاران، ۱۳۸۴، «مطالعه مقایسه‌ای پایه‌های فردی، شناختی، و انگیزشی پیش‌داوری نسبت به مهاجران افغانی»، *پژوهش‌های روان‌شناختی*، دوره هشتم، ش ۳ و ۴، ص ۹-۴.

- عیسی‌زادگان، علی و همکاران، ۱۳۹۱، «رابطه صفات شخصیتی، جهت‌گیری مذهبی و وسواس مرگ: آزمون یک الگوی علی»، *روان‌شناسی و دین*، دوره پنجم، ش ۲، ص ۶۷-۸۲
- قاسم، مرضیه و مسعود حسین‌چاری، ۱۳۹۱، «تاب‌آوری روان‌شناختی و انگیزش درونی - بیرونی: نقش واسطه‌ای خودکارآمدی»، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، دوره نهم، ش ۳۳، ص ۶۱-۷۱.
- وولف، ام. دیوید، ۱۹۹۷، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.
- یاسمی‌نژاد، پریسا و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و سرسختی روان‌شناختی در دانش‌جویان»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، دوره نوزدهم، ش ۱۲، ص ۱۱۹-۱۳۷.
- AhmadiGatab, T, 2011, Studying the relationship between life quality and religious attitude with students general health, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, v. 30, p. 1976-1979.
- Ahmadi, A, & Shahmohammadi, N, 2015, Studying the relationship between Mental health, Spirituality and religion in female students of Tehran Azad University: south Branch, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, v. 205, p. 236-241.
- Allport, G. W, & Ross, M, 1967, Personal religious Orientation and Prejudice, *Journal of personality and Social Psychology*, v. 5, p. 432-443.
- Alvord, M. K, & Grados, J. J, 2005, Enhancing resilience in children: A proactive approach, *Professional Psychology: Research and Practice*, v. 36, p. 238-245.
- Amalia, I, et al, 2016, The influence of religiosity values on happiness with Islamic consuming ethics as moderator variable, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, v. 219, p. 76-83.
- Amalia, I, et al, 2015, *Influence of Islamic Consuming Ethics on Happiness*, *Proceedings, International Conference and Ph.D. Colloquium on Islamic Economics and Finance*, Lombok Raya Hotel, Mataram.
- Andrew, F, & Sabrina, D, 2016, Leaving my religion: Understanding the relation ship between religious disaffiliation, health, and well-bing, *Social Science Research*, v. 57, p. 49-62.
- Annalakshmi, N, 2008, The resilience individual-A Personality Analysis, *Journal of Indian Academy of Applied Psychology*, v. 34, p. 110-118.
- Arastaman, G, & Balci, A, 2013, Investigation of High School Student's Resiliency Perception in terms of Some Variables, *Educational Sciences: Theory & Practice*, v. 13 (2), p. 922-928.
- Argyle, M, 1959, *Religious behaviour*, Glencoe, IL: Free Press.
- Bai, S, & Repetti, B. L, 2015, Short-term resilience processes in the family, *Family Relations*, v. 64 (1), p. 108-119.
- Ball, J, et al, 2003, The relationship between religiosity and adjustment among African-American, female, urban adolescents, *Journal of Adolescence*, v. 26 (4), p. 431-443.
- Bandura, A, 1997, *Self-efficacy: The exercise of control*, New York, W. H. Freeman.
- Barrett, D. W, et al, 2005, Cognitive motivation and religious orientation, *Journal of Personality and Individual Differences*, v. 38, p. 461-474.
- Batson, C. D, & Raynor-Prince, L, 1983, Religious orientation and complexity of thought about existential concerns, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 22, p. 38-50.
- Bergin, A. E, 1991, Values and Religious Issues in Psychotherapy and Mental Health, *American Psychologist*, v. 46 (4), p. 394-403.
- Cacioppo, J. T, & Petty, R. E, 1982, The need for cognition, *Journal of Personality and Social Psychology*, v. 42, p. 116-131
- Cacioppo, J. T, et al, 1984, The efficient assessment of need for cognition, *Journal of Personality Assessment*, v. 48, p. 306-307.

- Campbell-Sills, L, et al, 2006, Relationship of resilience to personality, coping and psychiatric symptoms in young adults, *Behaviour research and therapy*, v. 44, p. 585-599.
- Chau-kiu, C, & Ping, K, 2012, Resiliency in older Hong Kong Chinese: Using the grounded theory approach to reveal social and spiritual conditions, *Journal of Aging Studies*, v. 26 (3), Special Section: Innovative Approaches to International Comparisons, 355-36.
- Cline, R. B, 2011, *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*, 3rd Edition, New York, London, The Guilford Press.
- Crook, G, 2008, The negative relationship between religion and substance use/abuse, *Gulifordpress*, v. 66, p. 122-129.
- David, D. F, 2013, Resilient First-Generation College Students: A Multiple Regression Analysis Examining the Impact of Optimism, Academic Self-Efficacy, Social Support, Religiousness, and Spirituality on Perceived Resilience. West Virginia University, ProQuest Dissertations Publishing, 3571591.
- Doo, B, 2004, Resilience, *Thinking Aloud World Wit Newsletter*, v. 1, p. 34.
- Filsinger, E. E, & Wilson, M. R, 1984, Religiosity, socioeconomic rewards, and family development: Predictors of marital adjustment, *Journal of Marriage and the Family*, v. 46, p. 663-670.
- Fletcher, D, & Sarkar, M, 2013, Psychological resilience: A review and critique of definitions, concepts, and theory, *European Psychologist*, v. 18, p. 12-23.
- Furnham, A, & Thorne, J, D, 2013, Needfor cognition, Its dimensionality and personality and intelligence correlates, *Journal of individual Differences*, v. 34 (4), p. 230-240.
- Ghorbani, N, et al, 2004, Private self consciousness factors: relationship with need for cognition, locus of control and obsessive thinking in Iran and the United State, *The Journal of Social Psychology*, v. 144, p. 359-372.
- Halpern, M, 2009, “The Enhance Critical Thinking Skills in Problem-solving and Resilience on high school students”, *Journal of developmental sciences*, v. 15 (2), p.121-128.
- Hannah, P, et al, 2014, Resilience, academic motivation and social support among college students, *Indian Journal of Positive Psychology*, v. 5 (4), p. 430-434.
- Harold, G. K, et al, 2015, *Religion and Health: Clinical consideration and applications*, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition), p. 263-268.
- Harold, G. K, et al, 2014, Religious involvement is associated with greater purpose, optimism, generosity and gratitude in persons with major depression and chronic medical illness, *Journal of Psychosomatic Research*, v. 77, p. 135-143.
- Hauser,S. T, & Allen, P. J, 2006, Overcoming Adversity in Adolescence: Narratives of Resilience, *Psychoanalytic Inquiry*, v. 26 (40).
- Hjemdal, O, et al, 2001, Preliminary results from the development and validation of a Norwegian scale for measuring adult resilience, *Journal of the Norwegian Psychological Association*, v. 38, p. 310- 317.
- Hosseinkhazadeh, A. A, et al, 2013, The Relationship of the Religious Orientations and Attitudes with Self-control Among Students, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, v. 84, p. 759-762.
- Hunler, O.S, & Gencoz, T. I, 2005, The effect of religiousness on marital satisfaction: testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction, *Contemporary Family Therapy*, v. 27 (1), p. 123-136.
- Javanmard, G. H, 2013, Religious Beliefs and Resilience in Academic Students, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, v. 84, p. 744-748.

- Jowkar, B, et al, 2010, Cross-cultural validation of the Resilience Scale for Adults (RSA) in Iran, *Scandinavian Journal of Psychology*, v. 51, p. 418-425.
- Jung, A. M, et al, 2013, Characteristics associated with low resilience in patients with depression and/or anxiety disorders, *Qual Life Res*, v. 22, p. 231-241.
- Kasen, S, et al, 2011, Religiosity and resilience in persons at high risk for major depression, *Psychology Medicine*, v. 42 (3), p. 19-50.
- Kayedkhordeh, H, et al, 2014, The Relationship between Dimension of Family Communication Pattern and Satisfying the Basic Psychology Needs in High School Student, *American Journal of Science Researchs*, v. 2 (1), p. 19-26.
- Koeing, H. G, 2007, Religion and remission of depression in medical inpatients, *The journal of nervous and mental disease*, v. 165 (5), p. 389-395.
- Krok, D, 2008, The role of spirituality in coping: Examining the relationships between spiritual dimensions and coping styles, *Mental Health, Religion & Culture*, v. 11 (7), p. 643-653.
- Kumpfer, K. L, 1999, *Factor and processes contributing to resilience: The resilience framework*, In M. D. Glantz & J. L. Johnson (Eds), Resilience and development (pp. 179-224), New York, Kluwer Academic.
- Lahroodi, R, 2007, Evaluating need for cognition: a case study in naturalistic epistemic virtue theory, *Philosophical Psychology*, v. 20 (2), p. 227-245.
- Leanne, F, & Elaine, C, 2012, An investigation into the capacity of student motivation and emotion regulation strategies to predict engagement and resilience in the middle school classroom, *Aust. Educ. Res*, v. 39, p. 295-311.
- Levin, J. S, & Taylor, R. J, 1998, Panel analyses of religious, involvement and well-being in African-Americans, Contemporaneous VS longitudinal effects, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 37, p. 695-709.
- Lumsden, C. J, & Wilson, E. O, 1983, *Promethean fire: Reflections on the origin of mind*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Matthews T. K, 1996, Religion and Optimism: Models of the Relationship, *The Student Journal of Psychology*, v. 2, p. 1-13.
- Mehmet, E, 2013, *Resilience, Coping, and Problem Solving*, [http://www. Sciencedirect.com/ science/ book/9780123984555](http://www.Sciencedirect.com/science/book/9780123984555), (pp. 9-16).
- Mehrinejad, S. A, et al, 2015, Predictability of students' resiliency by their spirituality, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, v. 205 (9), p. 396-400.
- Miller-Karas, E, 2015, *Building Resilience to Trauma: The Trauma and Community Resiliency Models*, New York, NY 10017: Routledge.
- Moltafet, G, et al, 2010, Personality trait, Religious orientation and happiness, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, v. 9, p. 63-69.
- Musick, M. A, & Wilson, J, 2003, Volunteering and depression: the of psychological and social resources in different age groups, *Social Science & Medicine*, v. 56 (2), p. 259-269.
- Olga, S, et al, 2013, Why are religious people happy? The effect of the social norm of religiosity across countries, *Social Science Research*, v. 42, p. 90-105.
- Olsson, C. A, et al, 2002, Adolescent resilience: a concept analysis, *Journal of Adolescence*, v. 26, p. 1-11.
- Petty, R. E, et al, 2009, *The need for cognition*, In M.R, Leary and R.H, Hoyle (Eds.), Handbook of individual differences in social behaviour, New York, Guilford Press, p. 318-329.
- Pribram, K. H, 2000, *Brain models of mind, in sadock Band Sadok v. (Eds)*, comprehensive

- text book of psychology, 7th edition, 445.
- Prince-Embury, S, & Saklofske, D, 2013, *Resilience in Children, Adolescents, and Adults, Translating Research into Practice*, New York, NY: Springer.
- Qiaobing, W, et al, 2014, Social Capital, Family Support, Resilience and Educational Outcomes of Chinese Migrant Children, *British Journal of Social Work*, v. 44, p. 636–656.
- Ritter, E. N, 2005, *Parenting styles: Their impact on the development of adolescent resiliency*, Doctoral dissertation, Capella University.
- Rutter, M, 1990, *Psychosocial resilience and protective mechanisms*, In J. E, Rolf, A. S.
- Ryan, R. M, & Deci, E. L, 2000, “Intrinsic and extrinsic motivations: Classic definitions and new directions”, *Contemporary Educational Psychology*, v. 25, p. 54-67.
- Sabouripour, F, & Samsilah, R. B, 2015, Resilience, Optimism and Social Support among International Students, *Asian Social Science*, v. 11 (15), p. 159-170.
- Schrodt, P, et al, 2008, A meta-analytical review of family communication patterns and their associations with information processing, behavioural and psychosocial outcomes, *Communication Monographs*, v. 75 (3), p. 248-269.
- Schultz, P. P, 1990, *Theories of personlity*, 4th ed. London: Routledge.
- Schunk, D. H, 1995, *Self-efficacy and Instruction*, In J. maddux (Ed.), *Self-efficacy, Adaptation, and Adjustment: Theory, Research, and Application* (pp. 281-303), New York: Plenum Press.
- Schunk, D. H, & Pajares, F, 2005, *Competence Perception and Academic Functioning*, In A. J, Elliot, & C. S, Dweck, *Handbook of Competence and Motivation*, New York, The Guilford Press.
- Shelley, L, L, 2011, *The relationship between religiousness/spirituality and resilience in college students*, falseTexas Woman's University, ProQuest Dissertations Publishing, 3480871.
- Sherman, R. M, 2000, *Religious orientation and identity formation: A study of adolescent girls*, Unpublished Doctoral Dissertation, Long Island University.
- Taylor, A, & McDonald, D. A, 1999, Religion and the five factor model of personality, *Personality and Individual Differences*, v. 27, p. 1243-1259.
- Veroff, J, et al, 1981, *The inner American: A Self-portrait*, New York, Basic books.
- Virginia, M. H, et al, 2014, Academic Resilience and Achievement: Self-Motivational Resources That Guide Faculty Participation in Instructional Technology Training at a Mexican University, *Journal of Hispanic Higher Education*, v. 13 (4), p. 334–358.
- Woolfolk, A. E, 2004, *Educational Psychology (9th ed)*, Boston: Allyn and Bacon.
- Yang, K. P, & Mao, X. Y, 2007, A study of nurses’ spiritual intelligence: A cross-sectional questionnaire survey, *Journal of Nursing Studies*, v. 144, p. 999-1010.
- Yelkin, D. C, et al, 2014, Analysis of the relationship between the resiliency level and problem solving skills of university students, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, v. 114 (21), p. 673-680.
- Zust, J. C, 2010, *A cognitive Path Through Resiliency*, New York, Hyperion.